

## رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محلات شهری

دکتر محمدسعید ذکایی\*

پیام روشن فکر\*\*

تاریخ دریافت: ۸۵/۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۸۵/۲/۱۰



### چکیده

اتکای اجتماع محلی به خود برای ارتقای کیفیت زندگی و رفع مشکلات جمعی، ایده محوری در اندیشه مکاتبی چون اجتماع گرایان (communitarianists) و نیز ایدئولوژی‌های سیاسی راست جدید یا چپ جدید یا راه سوم به شمار می‌آید. اساس این دیدگاه‌ها بر ظرفیت سازی و بسیج منابع و سرمایه های محلی قرار دارد. به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری در کنار یکدیگر مفاهیم تحلیلی مناسبی برای شناسایی پتانسیل رفتارهای اجتماع گرایانه و رفاه اجتماعی در اجتماعات مختلف مکانی محسوب می‌شوند و از این رو هر اندازه گیری سرمایه اجتماعی در واقع اندازه گیری ظرفیت جامعه برای مدیریت خویش است. به ویژه آن که سرمایه اجتماعی

---

\* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

\*\* کارشناسی ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی

عامل مؤثری در افزایش کارآیی سایر اشکال سرمایه (انسانی، اقتصادی، کالبدی) نیز محسوب می‌شود. مقاله حاضر در دو سطح تحلیل خرد (فردی) و کلان (منطقه شهری) به دنبال نشان دادن عوامل مؤثر بر تغییر سرمایه اجتماعی در مناطق مختلف شهری و ارتباط این سرمایه با اشکال دیگر سرمایه و تأثیر آن بر کیفیت زندگی در مناطق شهری است. اطلاعات سطح خرد تحقیق مبتنی بر پیمایش معرفی در شهر قوچان است. در سطح کلان نیز از مجموعه‌ای از منابع اسنادی و تحلیل ثانویه برای شاخص‌سازی مفاهیم مرتبط با تحقیق استفاده شده است. نتایج تحقیق بیانگر تغییرپذیری ساختی سرمایه اجتماعی در مناطق مختلف شهری است. سطح سرمایه اجتماعی در دو بعد ذهنی و ساختی با سطوح سرمایه کالبدی ارتباط مستقیم دارد. این یافته مؤید مفهوم سازی کلاسیک بوردیو از تعامل و ارتباط سرمایه‌ها با یکدیگر است. سرمایه اجتماعی همچنین با دوام شبکه‌های روابط محلی و همسایگی، طول مدت اقامت شهری و جابه‌جایی‌های درون شهری و نیز سرمایه انسانی در مناطق مختلف شهری ارتباط نشان می‌دهد. در مجموع، یافته‌های تحقیق نقش حیاتی سرمایه اجتماعی در حفظ سرمایه‌های کالبدی و توانمندسازی اجتماع محلی برای بسیج منابع و دارایی‌های آن و نیز ضرورت برقراری عدالت اجتماعی در سطح کلان برای حل ریشه‌ای این مسئله را آشکار می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، سرمایه کالبدی، سرمایه فرهنگی، توسعه محلی

رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

دیالکتیک میان عین و ذهن را طی تاریخ تحول ساختارهای اجتماعی - اقتصادی جوامع معاصر به خوبی می‌توان در تغییرات ادبیات مفهوم توسعه دریافت. از نگاه تقلیل‌گرایانه، مکانیکی و تک‌خطی به توسعه جوامع تا نگرش چندوجهی در چشم انداز توسعه پایدار، از همان آغاز، مفهوم توسعه، بحث‌های بسیاری برانگیخت. الگوهای اولیه که توسعه را ایدئولوژی "دیرآمدگان" (late-comers) به فرآیند صنعتی شدن) تلقی می‌کردند غالباً در هدف نیل به "مدرنیته غربی" اشتراک داشتند و کم و

کیف و چگونگی استفاده مؤثر از ابزار دخالت دولت در نیل به این هدف، آن‌ها را از هم متمایز می‌کرد. به تدریج پیچیدگی‌های مسئله رخ نمود و زمینه‌های متعددی اعم از تغییر در ساختار نظام جهانی و تحولات درون کشورها به همراه ناتوانی دیدگاه‌های سنتی در حفظ و ایجاد تعادل میان نیازهای اجتماعی، اقتصادی، محیطی و نسل‌های حال و آینده بار دیگر تغییر پارادایمی را در پی داشت که باعث رواج مفاهیمی از جمله شهروندی، پایداری، ظرفیت‌سازی، توانمندسازی و تمرکز زدایی در بحث از فرآیند توسعه گردید.

اگر هدف از توسعه، بهزیستی انسان باشد یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این امر مفهوم کیفیت زندگی است. الگ زینام (۱۳۸۰) از جمله کسانی است که کیفیت زندگی فردی و جمعی را در تعامل با هم و در چارچوب توسعه پایدار مفهوم‌سازی می‌کند و بیان می‌دارد که پیشرفت تکنولوژیک، کیفیت زندگی شخصی و تعامل میان آن‌ها در بطن نظریه توسعه قرار می‌گیرد (۱۳۸۰: ۱۵۹).

کیفیت زندگی به طور کلی مفهوم نامشخصی است و معنی آن مبتنی بر بستری است که در آن موزد استفاده قرار می‌گیرد. اسمیت آن را یک انتزاع فکری می‌داند که تمهید شده است تا در نظر گرفتن چگونگی زندگی مردم را در چارچوب‌هایی تسهیل کند که در آن‌ها درباره آن چه می‌تواند بهتر یا بدتر باشد داوری می‌شود و بنابراین مشابه با مفاهیمی چون توسعه، رفاه و بهزیستی است (اسمیت، ۱۳۸۲: ۱۶۰).

مباحث گسترده‌ای در مورد امکان‌پذیری مقایسه کیفیت زندگی در بین افراد و گروه‌های انسانی وجود دارد. در یک طرف دیدگاه اقتصاددانان نئوکلاسیک و مطلوبیت‌گراها قرار دارد که معتقدند آن چه برای مردم خوب است، موضوعی کاملاً شخصی است.

افراد و خانوارها با صرف سرمایه‌هایشان به صورتی که می‌خواهند میزان خشنودی یا مطلوبیتشان را به حداکثر می‌رسانند و هیچ‌کس دیگر بهتر از آنان نمی‌داند که چه چیزی باید مصرف شود. هر حکم خاصی در مورد این که برای به حداکثر رساندن

مطلوبیت یا رفاه کل اجتماع چه کالاها و خدماتی با چه کیفیت یا نسبتی مورد نیاز است، متضمن قضاوت‌های ارزشی است و لذا مقایسه کیفیت زندگی افراد یا گروه‌های اجتماعی در حیطه علوم اجتماعی که مطابق فرض باید فارغ از ارزش باشد قرار نمی‌گیرد. عملکرد کامل بازار آزاد موجب می‌شود تا تمامی ترجیحات شخص در مورد این که چه چیزی و برای چه کسی تولید شود تجمیع گردد و رفاه اجتماعی بدون توسل به هیچ ملاک خاص جهان شمول به حداکثر خواهد رسید.

در مقابل، مارکسیست‌ها بر خصیصه تاریخی نیازهای بشر تأکید می‌کنند و معتقدند که آن چه را بازارها در هر زمان (ومکانی) فراهم می‌کنند بازتاب آرزوها و آمال افرادی است که پول، قدرت یا عوامل دیگری را در اختیار دارند که تعیین کننده نوع محصول در بازارها است. در جهان تحت سلطه بنگاه‌های بزرگ نه مصرف کنندگان نیوکلاسیک که تولید کنندگان حاکمیت دارند (اسمیت، ۱۳۸۲: ۱۶۲).

در دوره معاصر نیز موضع‌گیری‌های نسبی‌گرایانه پست‌مدرن‌ها که بر تفاوت و دیدگاه‌های متنوع افراد در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت در مورد مهم‌ترین امور زندگی و از جمله قواعد اخلاقی زندگی خوب تأکید دارند؛ در مقابل، دیدگاه دیگری قرار می‌گیرد که ادراک جهانی از نیاز بشر را امکان‌پذیر و در واقع ضروری می‌داند (دایال و گاف، ۱۹۹۱).

تلاش‌های مؤثری برای شناخت جنبه‌های مهم و تعیین مؤلفه‌ها و ساختار تسلسلی مفهوم کیفیت زندگی صورت گرفته است که سابقه آن‌ها به مطالعات مازلو (۱۹۵۴) موسوم به نظریه نیازهای انسانی و هم چنین نظریه خواسته‌های انسانی اقتصاددانان بازمی‌گردد. به لحاظ تجربی، شاخص‌سازی و سنجش کیفیت زندگی نیز تحولاتی داشته است. از کارهای اولیه‌ای که بیش‌تر بر جنبه‌های اقتصادی و ابعاد تکنیکی و فنی تأکید داشت (لیو، ۱۹۷۵ و بری، ۱۹۶۰) تا کارهای جدیدتری که ابعاد و حوزه‌های گسترده‌تر زندگی را در دو بعد عینی و ذهنی مدنظر قرار می‌دهند (ر.ک. به: شهدادی، ۱۳۷۹: ۳۳-۳۵).

در مقاله حاضر به دنبال این پرسش هستیم که سطوح نفاضلی سرمایه اجتماعی هم در سطح فردی (گرایش‌ها و ارزش‌های افراد) و هم در سطح ساختاری (با اتکا بر شاخص غیر کمی مناطق شهری) چه تأثیری بر رضایت افراد از کیفیت زندگی در اجتماع محلی خود دارند؟ همچنین چه ارتباطی میان اشکال مختلف سرمایه اجتماعی، فرهنگی و کالبدی در مناطق برقرار است؟

### اجتماع محلی و کیفیت زندگی

گذر از سیاست‌های رفاهی "نخبه‌گرا" به سیاست‌های "مردم‌باور" و اتکای اجتماع محلی به خود برای ارتقای کیفیت زندگی به جای وابستگی شدید به دولت، ایسده محوری در اندیشه مکاتبی چون اجتماع‌گرایان است. (ر.ک. به، 1998; Etzioni, 1993). تجدید نظر در دیدگاه‌های کلاسیک لیبرالیسم به شکل راست جدید، چپ جدید یا راه سوم (ر.ک. به Giddens, 1994) نیز زمینه‌ای برای رونق یافتن بحث‌های مربوط به توسعه محله‌ای بوده است. در مباحث مربوط به توسعه اجتماعات محلی دو رویکرد عمده "نیاز-محور" (need-based) و "دارایی-محور" (asset-based) از یکدیگر قابل تمایز است (عارفی، ۱۳۸۰).

انتخاب هریک از رویکردهای یاد شده به سیاست‌های توسعه‌ای متفاوتی می‌انجامد. به طور مثال، رویکرد نیاز-محور مردم‌گرا برای ارتقای کیفیت زندگی در محلات شهری سیاست استحقاق را در پیش می‌گیرد و بر اعطای یارانه‌ها، کوپن‌ها و تسهیلات به مردم تأکید دارد. انتقاد وارد بر این سیاست، نارسا بودن این یارانه‌ها، تأثیرات منفی آن بر کارایی اقتصادی، تداوم فرهنگ وابستگی و کاهش تعهد اجتماعی است که مانع از خود اتکایی و توسعه پایدار اجتماعات محلی می‌شود.

به شکل دیگری در رویکرد نیازمندی مکان‌گرا سعی شده تا از طریق ارتقای "کیفیت محیط" با طرح‌هایی مانند: خانه‌سازی‌های دولتی یا نوسازی شهری و در واقع با سیاست‌های تقویت‌گرایی مکانی (place boosterism) کیفیت زندگی در محلات

شهری ارتقا یابد. و چون این امر بدون توجه به روابط مردم ساکن در مکان صورت می‌گیرد اغلب با نتایج ناخواسته و عدم موفقیت توأم می‌گردد و اصطلاحاً درگیر یک بازی مجموع صفر<sup>(۱)</sup> می‌شود (Gans, 1996). در مقابل، در پیش‌گرفتن رویکرد دارای - محور باعث توجه به انسجام بین سرمایه‌های موجود در اجتماع محلی و اتخاذ سیاست‌های توانمندسازی جهت ارتقای کیفیت زندگی می‌شود.

رویکرد سرمایه اجتماعی در دیدگاه اخیر با تأکید بر محوریت پیوندهای اجتماعی در کمک به فقرا برای تدبیر دفع مخاطرات و آسیب‌پذیری آن‌ها سهم مهمی در تحلیل فقر داشته است. به تعبیر دوردیک (Dordick, 1997) «تنها چیزی که برای فقرا باقی می‌ماند، پیوندهای اجتماعی با یکدیگر است.» علاوه بر این تأکید بر انسجام سرمایه‌های درون یک اجتماع محلی در دیدگاه دارای - محور، توجه به تعاریف و تفاوت‌های سرمایه‌ها (اجتماعی، کالبدی، اقتصادی، انسانی) و الگوهای تولید و تبدیل آن‌ها به یکدیگر را به دنبال داشته است.

در خصوص توجه به شرایط متغیر فضایی در کیفیت عمومی زندگی در سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰ میلادی بحث‌های مهمی در "جغرافیای رادیکال" مطرح شد که محور آن شناسایی فرایندهای موجود در ورای جلوه‌های فضایی نابرابری یا توسعه ناموزون بوده است. در این دیدگاه نابرابری را باید ویژگی ذاتی هر گونه تصویری از کیفیت زندگی دانست. (اسمیت، ۱۳۸۲: ۱۷۱).

در دوره معاصر بخت‌های نابرابر زندگی انسان‌ها بر اساس این که چه کسی کجا زندگی می‌کند، یکی از ابعاد مهم نابرابری در عرصه شهرهاست. مرور ادبیات در این حوزه نیز حاکی از آن است که رویکردها و سیاست‌های توسعه‌ای دستخوش تغییراتی بوده است. از چند دهه پیش که به پایین‌ترین سطح حکومت به عنوان "حکومت محلی"

۱- zero sum game در نظریه بازی‌ها به آن نوع بازی اطلاق می‌شود که بدون توجه به استراتژی انتخاب شده، عواید یکی از بازیگران معادل زیان بازیگران دیگر است... مجموع عواید همیشه معادل مجموع زیان‌هاست و در نتیجه مجموع عواید و زیان‌ها معادل صفر است (مرتضی قره باغیان، فرهنگ اقتصاد و بازرگانی، ۱۳۷۲).

اشاره می‌شد (Stren, 2000) به تدریج دیدگاه "اداره امور شهری" (urban administration) که مستلزم کنترل بر منابع بود - جای خود را به دیدگاه "مدیریت شهری" (urban management) که مستلزم کارآمدی است - سپرد. دیری نگذشت که ناکارآمدی دیدگاه‌های مبتنی بر روابط صرفاً رسمی سازمانی مشخص شد و نهایتاً رویکرد "حکمرانی شهری" (urban governance) به عنوان پاسخی کارآمد و مؤثر به مشکلات شهری جایگزین آن شد. پیترهاال و اولریش فایفر در کتاب آینده شهری در قرن ۲۱ توسعه پایدار شهری را با مفهوم "حکمرانی شهری" پیوند می‌دهند و یک حکمرانی شهری مطلوب را نوعی از حاکمیت می‌دانند که پایداری را در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی مد نظر قرار دهد.

در این دیدگاه بر همکاری سازمان‌های غیرحکومتی (NGOs)، سازمان‌های اجتماع و محله محور (CBOs) و سازمان‌های رسمی جامعه مدنی (CSOs) در کنار سایر کنشگران اعم از سطح حکومتی (دولتی یا محلی)، بخش اقتصاد خصوصی (بین‌المللی، ملی، محلی) و افراد و خانوارها تأکید می‌شود.

### سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی قدمتی طولانی در علوم اجتماعی دارد (Woolcock, 1998) و می‌توان آن را در آرای اندیشمندان متقدم و کلاسیک علوم اجتماعی جست‌وجو کرد. اما ورود این مفهوم به ادبیات مطالعات و برنامه‌ریزی شهری در سال ۱۹۶۰ و همزمان با انتشار کتاب زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا توسط جاکوب صورت گرفت. جاکوب در این کتاب از سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با حفظ نظافت، برخورد با جرم و جنایت خیابانی و تصمیم‌گیری‌های مربوط به بهبود کیفیت زندگی در محدوده محلات حومه و قدیمی شهر بحث می‌کند. به اعتقاد او شبکه‌های فشرده در این نواحی، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند که در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس مسئولیت و کارایی بیش‌تری نشان می‌دهند (Jacob, 1961).

لوری (Loury, 1977) سرمایه اجتماعی را وارد عرصه نظریه‌های اقتصاد ساخت و از این مفهوم برای انتقاد از نظریات نیوکلاسیک و ناعادلانه بودن توزیع درآمد استفاده کرد. همچنین نظریه‌های اقتصادی در خصوص سرمایه انسانی و روابط خانوادگی که بکر (Becker, 1978) به شرح و بسط آن‌ها پرداخت نیز در رواج این مفهوم مؤثر بوده است. در دوران معاصر نیز این مفهوم با کار اندیشمندانی چون کلمن (Colman, 1988)، بوردیو (Bourdieu, 1986) و پاتنام (Putnam, 1993) رواج یافت.

سرمایه اجتماعی، به دلیل قابلیت تبدیل به دیگر سرمایه‌ها و نقشی که در افزایش کارایی آن‌ها دارد و نیز قابلیتی که در توضیح پیامدهای متنوع اقتصادی، سیاسی در ساخت‌های مشابه دارد، در تدوین شاخص‌های توسعه پایدار، مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است. (ر.ک به World Bank, European Commission, 2000). با این همه، سرمایه اجتماعی هم به عنوان یک مفهوم کاربردی چند وجهی و بین رشته‌ای و هم به عنوان یک نظریه در رویکردها و مکاتب مختلف تمایزات ظریف مفهومی می‌یابد. در مواردی، سرمایه اجتماعی برای توصیف ویژگی‌های افراد، در مواقعی برای اشاره به گروه‌ها و گاه به ویژگی مکان‌ها اشاره دارد. هر چند این ادبیات فزاینده و متکثر، مضامین مشترکی نیز به دست داده که به خصوصیات و ابعاد سرمایه اجتماعی نسبت داده می‌شود.

### مؤلفه‌ها و کارکردهای سرمایه اجتماعی

مشارکت در شبکه‌ها: جزء اساسی سرمایه اجتماعی شبکه کمابیش متراکم و به هم پیوسته‌ای از روابط بین افراد و گروه‌هاست. وجود طیفی از انجمن‌های موازی امکان ارتباط بهتر افراد را با شبکه اجتماعی وسیع‌تر فراهم می‌کند. به شرطی که این گونه انجمن‌ها هم براساس عضویت داوطلبانه باشد و هم اهداف آن انعطاف پذیر و از طریق اجماع افراد تعیین شود.

کلاینبرگ نشان می‌دهد که برای موفقیت برنامه ریزی توسعه اقتصادی محلی و



ایجاد تعادل میان محله و مرکز شهر، تشکیل انجمن‌های توسعه اجتماعی محلی از طریق تشکیلات به هم پیوسته و افزایش سطوح افقی (محلی) و عمودی (استانی، منطقه‌ای) مشارکت شهروندان ضروری است (Kleinberg, 1995).

بده - بستان: سرمایه اجتماعی به معنی مبادله و قراردادهای الزام آور حقوقی، رسمی و فوری نیست، بلکه در برگیرنده طیفی از دیگرخواهی کوتاه مدت و نفع فردی درازمدت است. موفقیت انجمن‌ها و مؤسسات غیر دولتی توسعه محله‌ای تا حدود زیادی مدیون گستردگی روابط بده بستانی (reciprocal) و علایقی است که اعضای یک گروه نسبت به یکدیگر دارند.

تقویت تدریجی این نوع روابط باعث روابط متقابل تعمیم یافته می‌شود و آن را به صورت الگویی فرهنگی ظاهر می‌کند و مردم با علم به این که گسترش این الگوی فرهنگی دیگر اعضای جامعه را در آینده برای ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی به تلاش وادار می‌دارد، فعالیت‌های بیش‌تری انجام می‌دهند.

اعتماد: «اعتماد انتظاری است که از یک اجتماع برخوردار از رفتار منظم، دارای روابط صادقانه و مبتنی بر تعاون بر می‌خیزد» (Fukuyama, 1995: 26). جزء لاینفک تمامی تعاریف سرمایه اجتماعی و نوعی تمایل برای خطرپذیری و ریسک در یک متن اجتماعی است. این خطرپذیری با این اطمینان صورت می‌گیرد که دیگران آن گونه که از آن‌ها انتظار می‌رود واکنش نشان می‌دهند و متقابلاً حمایت خود را نشان می‌دهند.

مطالعات توماس گوساک در مورد حکومت‌های محلی در آلمان نشان می‌دهد که در مناطقی که مشخصه فرهنگ همانا اعتماد است عملکرد حکومت‌های محلی کارآمدتر بوده و موجب رضایت شهروندان شده است (Gusack, 1997).

فریدن و کاپلان (۱۹۷۵) عدم اعتماد میان شهرداران و شهروندان ذینفع را یکی از دلایل عدم موفقیت برنامه «شهرهای نمونه» دهه ۷۰ آمریکا، در نهادینه کردن واگذاری مسئولیت به مردم برای بسیج سرمایه اجتماعی در اجتماع محلی خود دانسته‌اند (Frieden & Kaplan, 1975).

هنجارهای اجتماعی: هنجارهای اجتماعی شکلی از کنترل اجتماعی غیر رسمی را فراهم می‌کنند و جایگزین تضمین‌های حقوقی نهادی شده و کاملاً رسمی می‌گردند. هنگامی که میزان اعتماد پایین است و هنجارهای اجتماعی کافی نیستند، افراد تنها تحت قواعد و تعهدات خاصی در کارهای مشترک حاضر به همکاری خواهند بود. این همکاری مستلزم چانه زنی، توافق و اجرا شدن گاه با استفاده از زور است که خود هزینه مبادله زیادی را در بر خواهد داشت.

عمل‌گرایی: وجود ویژگی‌های فوق‌الذکر در یک گروه یا انجمن، نوعی احساس کفایت فردی و جمعی (انجمن) را فراهم می‌سازد. رشد سرمایه اجتماعی مستلزم درگیر شدن فعالانه اعضای یک انجمن در اجتماع مشارکتی است.

لازم است افراد به صورت فعالانه در کارهای مشارکتی شرکت کنند و موفقیت انجمن‌ها و سازمان‌های غیر دولتی منوط به استفاده از ظرفیت کامل مشارکتی افراد مورد مخاطب خود است. به این ترتیب، موضوع بالا بردن رفاه اجتماعی به صورت یک موضوع موقتی تلقی نمی‌شود، بلکه به صورت بخشی از مسئولیت‌های ساکنان محلی ظاهر می‌گردد. که پیوسته در آن مشارکت دارند. البته مشارکت دارای لایه‌ها و سطوحی است که از سطح حداقلی دستکاری و هدایت (manipulation) تا سطح حداکثری شراکت برابر (equal partnership) امتداد می‌یابد (رک: به (Hart, 1992; Arnstein, 1996)). مشارکت ایده آل در انجمن‌های توسعه اجتماع محلی مشارکتی است که جنبه واقعی داشته باشد، از بالا به پایین هدایت نشود و با ابتکار عمل گروه‌های منتفع از آن صورت گیرد.

باید توجه داشت که هیچ یک از این مضامین و ابعاد یاد شده توزیع یکسانی ندارند و تمایزات ساختی نشان می‌دهند. به همین دلیل است که سرمایه اجتماعی را ویژگی ساختارهای اجتماعی تعریف می‌کنند.

تلاش‌هایی نیز صورت گرفته تا چارچوب بررسی و سطوح سنجش سرمایه اجتماعی مشخص شود. برای نمونه می‌توان به الگوهایی که برادو سطح خرد و کلان

دارند یا الگوهای سه سطحی که سطح روابط بین افراد (خانواده، دوستان، همسایگان...)، سطح انجمن‌ها و سازمان‌های واسط (مانند عضویت در باشگاه‌ها، احزاب سیاسی) و نهادهای اجتماعی سطح کلان را از هم متمایز می‌کنند، اشاره کرد. در الگوی دو سطحی، سطح کلان شامل روابط و ساختارهای رسمی مانند قوانین، مقررات، چارچوب‌های حقوقی و رژیم سیاسی می‌شود و سطح خرد به نقش بالقوه سازمان‌های افقی و شبکه‌های اجتماعی در توسعه جوامع اشاره دارد. در سطح خرد دو نوع سرمایه را می‌توان از هم تفکیک کرد: سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری. در حالی که عناصر شناختی مردم را به سوی اقدام جمعی که سودمندی متقابل دارد سوق می‌دهند، عناصر ساختاری سرمایه اجتماعی این کار را تسهیل می‌کنند (Krishna & Uphoff, 1999; Krishna & Sharder, 2000). این دو جنبه سرمایه در کنار هم برای شناختن پتانسل کلی اقدام جمعی در هر اجتماعی سودمند است.

### تبدیل سرمایه‌ها

سرمایه اجتماعی عامل مؤثری در افزایش و کارایی سایر اشکال سرمایه (انسانی، اقتصادی، کالبدی) است. بوردیو (۱۹۸۶) نشان می‌دهد که مکانیسم پویایی جامعه در رقابت قشرهای مختلف برای افزودن سرمایه کلی خود براساس به کارگیری مؤثر هر یک از مؤلفه‌های آن (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) و تبدیل آن‌ها به یکدیگر در جهت افزایش سرمایه کلی در عرصه منازعات تولیدی درون جامعه است. مطالعات بوردیو در این زمینه به طرح برخی استعاره‌ها (metaphors) و مفاهیم تحلیلی از جمله "نرخ تبدیل سرمایه، ساختار فرصت‌های سود، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری و کنترل انباشت" از اقتصاد سیاسی به حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی منتهی شده است. بوردیو همچنین انواع سرمایه‌ها را از نظر سیالیت (liquidity)، قابلیت تبدیل (convertibility)، فرسایش (attrition) و انباشت (inflation) دارای الگوهای متفاوتی می‌داند: سرمایه اقتصادی سیال‌تر است و به آسانی به سرمایه اجتماعی و فرهنگی

تبدیل می‌شود. در مقابل سرمایه اجتماعی سیالیت کم‌تری دارد و در معرض فرسایش است. خارج شدن فرد از یک شبکه به سرعت بخشی از سرمایه اجتماعی وی را کاهش می‌دهد، در حالی که چنان چه این فرد سرمایه انسانی یا فرهنگی مشخصی (مثلاً مدرک آکادمیک یا مهارت در هنری) را کسب کرده باشد، به آسانی در معرض فرسایش قرار نمی‌گیرد.

افراد همچنین می‌توانند سرمایه اقتصادی را در شکل سرمایه سمبلیک، سرمایه‌گذاری کنند تا سرمایه اجتماعی یا فرهنگی (مثلاً پرستیژ) به دست آورند که تحت شرایطی خود می‌تواند با سرمایه اقتصادی مبادله شود. برای مثال، رفتن به دانشگاه و کسب تحصیلات عالی مستلزم دور ماندن از بازار اقتصادی برای کسب سرمایه آموزشی و فرهنگی است (استراتژی سرمایه‌گذاری). این سرمایه آموزشی به افراد امکان می‌دهد راه کار حرفه‌ای برای خود بیابند که خود زمینه ساز کسب سرمایه اقتصادی و اجتماعی ایشان گردد. تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اجتماعی نیز آسان‌تر صورت می‌پذیرد. از آن جایی که بخش عمده‌ای از سرمایه فرهنگی معطوف به جنبه‌های ذهنی و نگرش‌های افراد است، تغییر انباشتگی آن در افراد به کندی صورت می‌گیرد. فردی که سرمایه فرهنگی بیش‌تری دارد، بهتر می‌تواند دامنه تعاملات خود و نیز سرمایه موجود و در اختیار خویش را افزایش دهد.

شکل دیگری از سرمایه که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته سرمایه کالبدی است. در حوزه محیط شهری، سرمایه کالبدی به طور مشخص دارایی‌های محیطی از جمله مسکن، راه، پارک، فضاها، عمومی و غیره را در بر می‌گیرد. استرام (Ostrom, 1997) سه دسته تفاوت بین این شکل از سرمایه و سرمایه اجتماعی قایل است (نقل از عارفی، ۱۳۸۰: ۲۷-۲۸).

نخست این که سرمایه کالبدی آسان‌تر از سرمایه اجتماعی مشخص و صورت برداری می‌شود. بر خلاف روابط اجتماعی و شبکه‌های اعتماد و روابط متقابل که ممکن است ملموس نباشند، ساختمان‌ها، راه‌ها و پارک‌ها وضوح به چشم می‌آیند.

اید این نکته بتواند توضیح دهنده دلیل اهمیت سیاست‌های مکان‌گرا نظیر طرح‌های نوسازی شهری برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران، به عنوان راه حل‌هایی با نتایج ملموس، به جای تلاش برای تولید یا افزایش موجودی فعلی سرمایه اجتماعی (که تحقق آن دشوارتر است) باشد.

دومین تفاوت میان سرمایه کالبدی و سرمایه اجتماعی، ارائه الگوهای متضاد انباشت و کاهش است. سرمایه کالبدی بر اثر استفاده یا مصرف بیش از حد در طول زمان از بین می‌رود، در حالی که سرمایه اجتماعی «نه بر اثر استفاده بلکه به دلیل بی استفاده ماندن زایل می‌شود».

سوم این که سرمایه اجتماعی و سرمایه کالبدی الگوهای ماندگاری متفاوتی را نشان می‌دهند. در حالی که سرمایه اجتماعی به سهولت و سرعت، زایل می‌شود، جایگزینی آن نسبت به جایگزینی سرمایه کالبدی دشوارتر است. برای مثال جابه‌جا کردن افراد فقیر به عنوان پیامد ناخواسته طرح‌های نوسازی شهری دهه‌های گذشته، در زوال سرمایه اجتماعی این مناطق نقش داشته است. در حقیقت یاری رساندن به افراد فقیر از طریق بهسازی کالبدی بر ضد پایداری یا گسترش سرمایه اجتماعی در محلات محروم عمل کرده است (ر.ک. به: Marris, 1974; Frieden & Sagalyn, 1989; Goodman, 1972).

### سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی

تا دهه ۱۹۹۰ عمده نظریه‌های توسعه، دیدگاه‌های بالنسبه کوتاه بینانه و حتی متناقض درباره نقش روابط اجتماعی در توسعه اقتصادی داشتند؛ اما به تدریج توجه به تأثیر ساختار پیوندهای اجتماعی افراد (شبکه‌ها) بر کنش‌ها و روابط عاملان اجتماعی تحقیقات متعددی را در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی به دنبال داشت.

نتایج به دست آمده از این مطالعات تأثیر انواع شبکه‌های اجتماعی را بر طیف وسیعی از مسائل از جمله پیشرفت تحصیلی (Colman & Hoffer, 1987)، افزایش

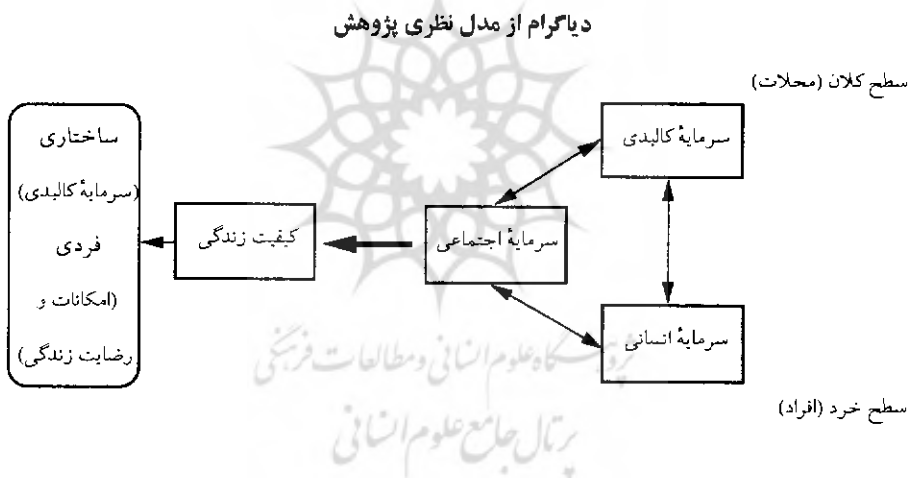
درآمد (Chhibber, 1997; 2000)، بهبود شرایط بهداشت (Cox, 1997)، جنایت در محلات شهری (Browning et al, 2000) و نیز حوزه‌هایی چون انحرافات، سلامت و آموزش که هر کدام به گونه‌ای کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مورد بررسی قرار گرفت. کاکس (Cox, 1998) در مورد پیوند سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی معتقد است که احساس ما از رفاه باید در رابطه با پیوندهایی باشد که ما با خانواده، دوستان، همکاران، همسایگان، هم محلی‌ها و نظام اجتماعی کلان داریم. به طور بنیادی، هستی اجتماعی، ظرفیت‌هایی است که ما برای زندگی و کار در گروه داریم (Cox, 1998: 161). بررسی تأثیر تغییرات سریع اجتماعی طی فرآیند توسعه در تحقیقی با بیش از چهارصد خانوار در چهار اجتماع نواحی شهری، حومه شهری، روستایی و نواحی مختلف نیوساوت ولز (New South Wales) (که هر یک به گونه‌ای در معرض تغییرات سریع اجتماعی قرار گرفته بودند) حاکی از نقش مؤثر سرمایه اجتماعی در برخی جنبه‌های مهم کیفیت زندگی و کمک به گروه‌های محروم در مواجهه با تغییرات است (Healy et al, 2003).

پژوهش لوتس (۲۰۰۴) نیز با استفاده از داده‌های سری زمانی مقطع عرضی گروهی از کشورهای افریقایی نشان داده که تعامل میان نهادها و سرمایه اجتماعی بالا سهم مثبتی در رفاه و بهبود کیفیت زندگی انسانی دارد. نتایج گویای آن است که سرمایه اجتماعی و نهادها مکمل یکدیگرند و بر اهمیت نقش نهادها تأکید دارد. (لوتس و لوتس، ۲۰۰۴)

فرض اساسی و جهت دهنده به این پژوهش‌ها آن است که هر اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، در واقع اندازه‌گیری ظرفیت جامعه برای مدیریت خویش (از طریق فعالیت گروه‌های غیر رسمی، غیر دولتی، غیرانتفاعی و داوطلبانه) و نیز موجودی جامعه از شبکه‌ها و هنجارهای تسهیل‌گر همکاری و اقدام جمعی است.

پایین بودن سرمایه اجتماعی در یک جامعه باعث بالارفتن هزینه‌های کنترل و نظارت و همچنین مبادلات و ارتباطات می‌شود. در مقابل، بهره‌مندی از سطوح بالاتر

سرمایه اجتماعی باعث کاهش هزینه مبادلات، افزایش هزینه‌های مطرود شدن، کاهش سواری مجانی (free riding)، رفع عدم تقارن اطلاعاتی، ایجاد حس تعلق و مشارکت و افزایش ظرفیت سازمانی می‌شود. کارگروهی به صورت داوطلبانه و سازمانی با مدیریت دموکراتیک افراد را به یکدیگر متصل می‌کند. اعتماد اجتماعی انباشته شده به گروه‌ها، سازمان‌ها و حتی ملت‌ها تحمل لازم را برای مقابله با مشکلات و تجهیز منابع مختلف فراهم می‌آورد. پاتنام نشان می‌دهد که حتی موفقیت نخستین گام‌های توسعه اقتصادی، شدیداً به تقویت جنبش‌ها و انجمن‌های مدنی وابسته است که از طریق کنش جمعی، پرورش مردم‌سالاری را به دست مردم میسر می‌کند (Putnam, 1993)



### طراحی تحقیق

در این تحقیق با اتخاذ رویکردی جامعه‌شناختی به دنبال نشان دادن عوامل مؤثر بر تغییر میزان و کیفیت سرمایه اجتماعی در محلات مختلف شهری، ارتباط این سرمایه با اشکال دیگر سرمایه و نهایتاً توضیح نحوه تأثیر آن بر کیفیت زندگی در محلات مختلف شهری هستیم.

مطالعه حاضر در دو سطح خرد و کلان در شهر قوچان صورت گرفته است. در

سطح خرد، داده‌های حاصل از یک پیمایش معرف با نمونه چهارصد خانواری، اطلاعاتی را در خصوص میدان روانی افراد و متغیرهای زمینه‌ای مورد نیاز تحقیق به دست می‌دهد. در سطح کلان، با رویکردی چند ضلعی (triangulation)\* و استفاده از مجموعه‌ای از منابع اعم از اسناد، مدارک، طرح‌های شهری، بانک‌های اطلاعات آماری، GIS مطالعات کیفی و میدانی داده‌های لازم برای شاخص‌سازی از مفاهیم مرتبط با تحقیق به دست آمده است.

در مرحله اول و به منظور دست‌یابی به محدوده محلات شهری، بررسی مقایسه‌ای و تحلیلی از محلات عرفی موجود در ذهن مردم، محدوده محلات موجود در طبقه‌بندی‌های شهرداری و اسناد و منابع موجود در خصوص سیر تاریخی پیدایش و تحول محلات شهر صورت گرفت. با توجه به ملاحظات کالبدی و به خصوص ملاحظات که قابلیت داده‌ها را برای محاسبات آماری در نظر می‌گیرد، نهایتاً گزینه مناسبی برای تحقیق برگزیده شد که شهر را در قالب هشت گستره با محلات مشابه پهنه‌بندی میکند (نقشه ۱).

در مرحله بعد به سنجش سرمایه کالبدی در هر یک از گستره‌های فوق پرداختیم. این شاخص ترکیبی\*\* براساس یک دسته از کاربری‌های موجود در محلات ساخته شده که تأثیر آن‌ها بیش‌تر در سطح محله بوده و بعد ساختی کیفیت زندگی در یک محیط شهری را شکل می‌دهند.

داده‌های لازم برای این شاخص از بانک اطلاعات GIS شهر استخراج شده است و با محاسبه جمعیت به روز شده محلات در وضع موجود، سرانه هر کاربری محاسبه و شاخص سرمایه کالبدی از ترکیب خطی نمرات استاندارد شده این سرانه‌ها حاصل می‌شود. در نهایت، محلات شهر در قالب سه سطح سرمایه کالبدی پایین، متوسط و بالا

\* انواع متفاوتی از چند ضلعی‌نگری وجود دارد که از آن جمله می‌توان به چند ضلعی‌نگری در اندازه‌گیری، چند ضلعی‌نگری مشاهده‌گران و چند ضلعی‌نگری در نظریه‌ها اشاره کرد که انواع آن به فراخور این روش و موضع تحقیق به کار می‌آیند (نیومن، ۲۰۰۰).

\*\* اعتباریابی شاخص‌ها مبتنی بر ملاحظات نظری و مفهومی و همچنین اعتباریابی صورتی بوده است.



دسته‌بندی شده، اطلاعات ساختی لازم جهت مقایسه محلات به دست می‌آید.

جدول شماره ۱- مؤلفه‌ها و اجزای شاخص سرمایه کالبدی

کاربری	سرايه کاربری در محلات
مسکونی	سرايه مسکونی معمول
امنیتی	سرايه انتظامی (کلانتری، پاسگاه پلیس، پایگاه بسیج، باجه راهنمایی و رانندگی)
فرهنگی	کتابخانه، خانه فرهنگ، حسینیه، تکیه، مسجد، امامزاده و سایر مراکز فرهنگی
خدماتی و رفاهی	خرده‌فروشی (سوپرمارکت، مواد غذایی، وسایل خانگی، محصولات تحریری، ...) کافه، قهوه خانه، مهد کودک
آموزشی	کودکستان و مطالعات فرهنگی دبستان راهنمایی دبیرستان و پیش‌دانشگاهی هنرستان و مراکز فنی و حرفه‌ای و کاردانش
بهداشتی و درمانی	مطب پزشک و ساختمان‌های پزشکان داروخانه و تزریقاتی کلینیک و درمانگاه و مراکز اورژانس بهداشتی عمومی (حمام و توالت عمومی)

جدول شماره ۲- شاخص سرمایه کالبدی و رتبه هر گستره در این شاخص

رتبه در شاخص	میانگین شاخص	کد گستره	محدوده گستره ها
بالا	۱۵/۹۱۳	a	منطقه ۲، بازار قوچان ۲، بازار عشق آباد ۲
بالا	۴/۵۲۹	b	منطقه ۱، بازار عشق آباد ۱، بازار مشهد ۱
متوسط	-۴/۳۶۷	c	منطقه ۳، بازار مشهد ۳، بازار سبزوار ۳
متوسط	-۵/۱۵۸	d	منطقه ۴، بازار مشهد ۳، بازار سبزوار ۳
کم	-۶/۷۸۴	e	کوی فرهنگیان ۱، تربیت، کوی قدس
بالا	۴/۰۷۱۰	f	کوی فرهنگیان ۲، کلانتری، ارتش، اراضی سپاه
متوسط	۰/۳۴۶	g	جامی، باغ دبیر، بعقوب آباد
کم	-۸/۵۵۱	h	بشت هتل عتیق، بشت جنگل، انتهای ابراهیمی امام رضا
واریانس = ۶۵/۰۴۵		انحراف استاندارد = ۸/۰۶۴	

در درون هر یک از این محلات هشت گانه با استفاده از اطلاعات پرسشنامه‌ها سرمایه اجتماعی در سطح فردی و نیز ساختی (شاخصی ترکیبی برای انتساب سرمایه اجتماعی به هر مکان) مورد بررسی قرار گرفت. پژوهشگران سرمایه اجتماعی در خصوص سنجش سرمایه اجتماعی و مشکلات آن هشدار می‌دهند که برخی پژوهش‌ها به جای سنجش سرمایه اجتماعی، سنجش‌های جایگزین (proxy measure) یا پیامدهای آن را می‌سنجند. در پژوهش حاضر، مؤلفه‌های انتخاب شده برای شاخص سرمایه اجتماعی براساس مبانی نظری هدایت‌کننده تحقیق و هماهنگ با نیازهای آن و با تضمین اعتبار داده‌ها (از طریق تحلیل آیتم به روش‌های آلفای کرونباخ و دو نیمه کرده) و البته در چارچوب اطلاعات موجود و محدودیت‌های ناشی از آن تنظیم شده است.

جدول شماره ۳- مؤلفه‌های شاخص سرمایه اجتماعی در سطح خرد

کیفیت روابط (هنجارها)	ساخت روابط (شبکه‌ها)
اعتماد	روابط گروهی انجمنی
میزان اعتماد به همسایگان میزان اعتماد به دوستان میزان اعتماد به اقوام و خویشاوندان	روابط همسایگی
احساس تعلق به محل زندگی	مشارکت در امور محل
$\alpha = 0.633$ آلفای کرونباخ	

جدول شماره ۴- میانگین شاخص جمعی (ترکیبی) سرمایه اجتماعی و رتبه هر گستره در این شاخص

رتبه در شاخص	میانگین شاخص	کد گستره
پایین	-۱/۵۰۴	A
متوسط	-۰/۱۵۲	B
متوسط	۰/۹۳۲	C
متوسط	۰/۵۷۰	D
بالا	۲/۳۶۷	E
متوسط	۰/۱۲۰	F
بالا	۲/۵۵۰	G
پایین	-۰/۸۰۹	H
$F = 2/495$ $P = 0/019$ $df = 7$		میانگین کل = ۰/۳۲۴

در تحلیل سطح کلان که واحد آن محله است، نهایتاً محلات در سه سطح پایین، متوسط و بالای سرمایه اجتماعی دسته بندی می شوند. در تحلیل سطح خرد افراد پاسخگو علاوه بر سنجش سرمایه اجتماعی، شاخص ترکیبی بهره‌مندی از تسهیلات و امکانات رفاهی (بعد عینی رفاه اجتماعی) نیز سنجیده شد. سنجه‌های این شاخص در جدول زیر ذکر شده است.

جدول شماره ۵- مؤلفه‌های شاخص رفاه اجتماعی در سطح خرد

مؤلفه‌های شاخص بهره‌مندی از امکانات و تسهیلات (رفاه عینی در سطح خرد)	
شاخص‌های تراکم سرانه مسکونی برای هر نفر	وضعیت تصرف مسکن (ملکی، اجاره‌ای، سازمانی) وسایل نقلیه (اتومبیل، موتورسیکلت، دوچرخه) وسایل منزل (تلویزیون، ویدیو، کامپیوتر، لباسشویی، سرانه مسکونی برای خانوار جاروبرقی و ...)
نفر به اتاق	تجهیزات بنا (گاز، تلفن، برق، شوفاژ، کولر و ...)
$\alpha = 0.704$ آلفای کرونباخ	

جدول شماره ۶- میانگین شاخص جمعی (ترکیبی) رفاه اجتماعی و رتبه هر گستره در این شاخص

رتبه در شاخص	میانگین شاخص	کد گستره
پایین	-۲/۸۱۷	A
متوسط	-۰/۶۱۷	B
متوسط	۰/۸۳۹۶	C
پایین	-۱/۸۶۰	D
بالا	۰/۸۵۲	E
بالا	۲/۶۷۵	F
بالا	۰/۹۶۰	G
متوسط	-۰/۳۸۰	H
$F = 2.04$ $P = 0.049$ $df = 7$		$\alpha = 0.003$ میانگین کل

سرانجام با استفاده از نرم افزار آماری SPSS داده‌های پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و برحسب نیاز، تحلیل تفاوت (تحلیل واریانس، آزمون t)، تحلیل رابطه (ضرایب همبستگی، رگرسیون چند متغیری و تحلیل میسر) و پیش بینی عضویت (آنالیز تشخیصی) در مورد آن‌ها انجام شد.

### یافته‌های تحقیق

تغییرپذیری ساختی سرمایه اجتماعی: معنی داری تحلیل تفاوت شاخص سرمایه اجتماعی در محلات مختلف شهر (۰/۰۱۹ = P، ۲/۴۹ = F) حاکی از تغییرپذیری ساختی سرمایه اجتماعی است. نتایج نشان می‌دهد که پایین‌ترین نمره شاخص سرمایه اجتماعی در گستره‌ای با پایین‌ترین سطح سرمایه کالبدی واقع شده است که مطابق نقشه منطبق با نواحی حاشیه‌ای شهر است. ساکنان این مناطق نوعاً با مسائل دوگانه «انزوای اجتماعی» و «جدایی گزینی فضایی» از روند اصلی جامعه مواجهند (Bleakly, Goldsmith &, 1992).

جدول شماره ۷- تغییرات سرمایه اجتماعی در گستره‌های مورد مطالعه در تقابل با تغییر

#### سرمایه کالبدی در آن‌ها

سرمایه کالبدی			ماتریس تقابلی سرمایه اجتماعی	
پایین	متوسط	بالا	اجتماعی با سرمایه کالبدی	
A	C		بالا	
	G		متوسط	
	D	B		
		F	پایین	
H		A		

افراد ساکن در این نواحی عمدتاً از سرمایه‌های اقتصادی و انسانی (تحصیلات و مهارت) لازم برای گسترش شبکه سرمایه اجتماعی خود بی‌بهره‌اند. همچنین بررسی نشان می‌دهد که این محلات یا در اثر رشد و توسعه شهر و پیوستن روستاهای اطراف به آن یا بر اثر مهاجرت روستاییان به آن شکل گرفته و افراد ساکن در آن منشأ روستایی دارند و در نتیجه، فرآیند ادغام اجتماعی (social inclusion) که به موجب آن افراد با جامعه بزرگتر همبستگی می‌یابند و به آن احساس تعلق پیدا می‌کنند، در مورد آن‌ها صورت نگرفته است. سازگاری یا عدم سازگاری فرهنگ (یا عمل شهروندی) با خاستگاه اولیه مهاجران و جامعه میزبان متغیر مهمی است که هم بر منابع سرمایه اجتماعی و انسانی تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد (Zokaei, 2000). برای این افراد انتقال از یک هویت جمعی یا گروه‌های محدود - که در مورد مناطق روستایی بیش‌تر بر اساس گروه‌های کوچک‌تر مثل خانواده و گروه‌های خویشاوندی استوار است - به نوع عام‌گرایانه‌تر آن که بر اساس شهروندی سامان می‌یابد، غالباً با مشکلاتی همراه است که هم منعکس‌کننده استراتژی‌ها، منابع، سرمایه‌ها و تعاملات درون‌گروهی آن‌هاست و هم بستر بیرونی دارد (Zokaei, 2001).

در این زمینه مفهوم‌سازی، گرانووتر در نظریه پیوندهای ضعیف، بینش خاصی به دست می‌دهد. بر اساس این نظریه هر چه پیوندهای میان اعضای یک شبکه شدت و استحکام بیش‌تری داشته باشد، ارزش سرمایه اجتماعی کم‌تر است. در واقع، وی معتقد است که پیوندهای میان اعضای گروه‌هایی که در نواحی روستا شهری و مهاجرنشین زندگی می‌کنند، منجر به روابط ضعیف اعضای آن گروه با گروه‌های دیگر و لذا محدودیت سرمایه اجتماعی ایشان می‌شود (Granovetter, 1983).

سرمایه اجتماعی، ثبات سکونت و زندگی شهری: بررسی نشان می‌دهد که در محلات مختلف تفاوت معنی‌داری ( $t = 2/29, P = 0/023$ ) در میزان سرمایه اجتماعی بین خانواده‌های اجاره‌نشین با آن‌هایی که مالک مسکن خود هستند وجود دارد. در توضیح این امر باید توجه داشت که یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر سرمایه اجتماعی، دوام شبکه

است. چنانچه بوردیو اشاره کرده «سرمایه اجتماعی مجموعه منابع حقیقی یا بالقوه‌ای است که به واسطه در اختیار داشتن شبکه بادوامی از روابط کمابیش نهادی شده و مبتنی بر آشنایی و به رسمیت شناسی روابط متقابل فراهم می‌گردد» (Bourdieu, 1986: 248-249). اجاره‌نشینی به عنوان یک سکونت ناپایدار، جابجایی مداوم را به دنبال دارد و (بر اثر تحلیل هزینه\*فایده) آشنایی برقرار کردن را برای افراد پرهزینه‌تر می‌کند. این امر به نوبه خود می‌تواند منجر به انقطاع شبکه سرمایه اجتماعی شود و لذا افراد به انزوای نسبی و پرهیز از سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی سوق یابند. به قول کلمن، جابجایی مداوم اعضاء خانواده به گسیختگی روابط اجتماعی که شکل دهنده سرمایه اجتماعی است می‌انجامد (Colman, 1988: 13). گلیسر و دیگران (۲۰۰۰) نیز نشان داده‌اند که میزان سرمایه‌گذاری اجتماعی در محدوده همسایگی میان دارندگان خانه، که در نتیجه جابجایی کم‌تری دارند، بیشتر است (Glaser et al, 2000).

از طرف دیگر، بررسی تأثیر همبستگی مدت اقامت در شهر بر احساس تعلق به محل، حاکی از رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر است ( $r = 0/32$ ,  $P = 0/009$ ). تحقیقات نشان می‌دهد که اقامت، شهری باعث تقویت تعلق جمعی می‌شود و وسعت بخشیدن به هویت جمعی، به بالا رفتن احساس تعلق به محل زندگی در میان شهرنشینان قدیمی‌تر می‌انجامد (ذکایی، ۱۳۸۰).

سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی: پژوهش‌های موجود نشان داده است افرادی که در سرمایه انسانی به صورت تراکمی سرمایه‌گذاری می‌کنند، در سرمایه اجتماعی نیز سرمایه‌گذاری بیشتری دارند (Glaser, et al, 2000). بررسی داده‌های آماری تحقیق حاضر حاکی از وجود رابطه معنی‌دار ( $r = 0/208$ ,  $P = 0/008$ ) بین سرمایه انسانی (در این جا با شاخص بالاترین تحصیلات در خانوار سنجیده شده) و سرمایه اجتماعی است. همچنین میانگین بالاترین نمره تحصیلات در هر گستره و شاخص سرمایه اجتماعی در آن گستره هم تغییری معنی‌دار نشان می‌دهد، به نحوی که سرمایه اجتماعی بالاتر توأم با سرمایه انسانی بالاتر است.

جدول شماره ۸- تغییرات سرمایه اجتماعی در گسترده‌های مورد مطالعه در تقابل با تغییر

سرمایه انسانی در آن‌ها

سرمایه انسانی			ماتریس تقابلی سرمایه اجتماعی با سرمایه انسانی	
پایین	متوسط	بالا		
	E	C	بالا	سرمایه اجتماعی
		G		
	B	F	متوسط	
	D			
A			پایین	
H				

$\gamma = 0/882$     Kendall s tau  $= 0/703$      $p = 0/003$

کلمن در تمایز سرمایه اجتماعی و انسانی خاطر نشان می‌سازد که سرمایه انسانی با تغییر دادن افراد برای دادن مهارت‌ها و توانایی‌هایی به آن‌ها پدید می‌آید و افراد را توانا می‌سازد که به شیوه جدید رفتار کنند. این توانایی باعث می‌شود که افراد بتوانند شبکه روابط خود را بیش‌تر گسترش دهند. همچنین وی نشان داده است که رابطه مثبت و معنی داری بین سرمایه اجتماعی و کیفیت آموزش در مدارس وجود دارد، به نحوی که افزایش سرمایه اجتماعی بر افزایش کیفیت آموزشی تأثیر مثبتی بر جای می‌گذارد و کاهش آن موجب افت تحصیلی می‌شود (Colman, 1988).

سرمایه اجتماعی، رفاه اجتماعی و رضایت از زندگی: در این تحقیق علاوه بر سرمایه کالبدی که بعد ساختاری رفاه در محل زندگی را شکل می‌دهد، در سطح خرد نیز رفاه اجتماعی با استفاده از دو متغیر امکانات و تسهیلات در دسترس فرد (عینی) و رضایت از زندگی (بعد ذهنی) مفهوم سازی شده است.



نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی هم با رفاه عینی ( $P = ۰/۰۰۰$ ) و هم با رضایت از زندگی رابطه همبستگی معنی داری دارد. ( $r = ۰/۳۲۱$ )

جدول شماره ۹- همبستگی ابعاد مختلف رضایت از زندگی با سرمایه اجتماعی

رضایت از امکانات رفاهی	رضایت از وضع سلامت و بهداشت محیط	رضایت از شغل	رضایت از زندگی خانوادگی		
۰/۲۶۹	۰/۳۵۰	۰/۲۶۹	۰/۲۵۲	I پرسون	شاخص سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سطح معنی داری	

همان گونه که گذشت، بازآفرینی سرمایه اجتماعی متضمن تلاش بی‌وقفه برای داشتن روابط اجتماعی و صرف هزینه زمان و انرژی و لذا - به طور مستقیم و غیرمستقیم - سرمایه اقتصادی است. به بیان دیگر، بهره‌مندی از سطحی از رفاه اجتماعی پیش شرط ایجاد و گسترش ارتباطات افراد در جامعه است. افراد می‌توانند سرمایه اقتصادی و امکانات رفاهی خود را در شکل سرمایه سمبلیک سرمایه‌گذاری کنند تا سرمایه اجتماعی یا فرهنگی (مثلا پرستیژ) به دست آورند.

بررسی ماتریس تقابلی شاخص‌های سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی نیز حاکی از هم‌تغییری معنی داری بین این دو متغیر در گستره‌های مورد بررسی است به نحوی که با افزایش سطح رفاه اجتماعی در محلات، میزان سرمایه اجتماعی نیز افزایش یافته است.

بررسی دو بعد عینی و ذهنی کیفیت زندگی در حضور سایر متغیرهای موجود در مبانی نظری براساس روش تحلیل چند متغیری (regression) نشان می‌دهد که متغیرهای باقی مانده در مدل یعنی رفاه عینی، رضایت از وضع بهداشت و سلامت محل و رضایت از زندگی خانوادگی می‌توانند ۲۵ درصد واریانس سرمایه اجتماعی را تبیین کنند.

جدول شماره ۱۰ - تغییرات سرمایه اجتماعی در گستره‌های مورد مطالعه در تقابل با تغییر

رفاه اجتماعی در آن‌ها

رفاه اجتماعی			ماتریس تقابلی سرمایه اجتماعی بارفاه اجتماعی	
پایین	متوسط	بالا		
	C	E G		
D	B	F	متوسط	
A	H		پایین	

$\text{gamma} = ۰/۷۳۴$      $\text{Kendall stauc} = ۰/۱۵۵$      $p = ۰/۰۰۵$

جدول شماره ۱۱ - تحلیل چند متغیری عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی

معنی داری t	t	بتا و مطالعات	متغیر
۰/۰۰۰	۴/۵۶۵	۰/۳۳۱	امکانات و تسهیلات
۰/۰۰۰	۴/۳۲۴	۰/۳۱۵	رضایت از بهداشت محل
۰/۰۲۱	۲/۲۳۸	۰/۱۷۱	رضایت از زندگی خانوادگی

$R^2 = ۰/۲۵۴$

بررسی بیشتر تأثیر دو بعد عینی و ذهنی کیفیت زندگی روی سرمایه اجتماعی حاکی از اهمیت بیشتر بعد ذهنی است.

جدول شماره ۱۲- تحلیل ابعاد ذهنی و عینی رفاه اجتماعی در زمینه سرمایه اجتماعی

معنی داری t	t	بتا	
۰/۰۰۰	۵/۶۱۱	۰/۴۰۱	رضایت از زندگی
۰/۰۰۰	۴/۱۳۰	۰/۲۹۵	امکانات و تسهیلات زندگی

$$R^2=۰/۲۷۳$$

از طرف دیگر، سرمایه اجتماعی خود می‌تواند در جهت افزایش سطح رفاه و رضایت از زندگی عمل کند. چنان‌چه بررسی مؤلفه‌های شاخص سرمایه اجتماعی روی شاخصی که از ترکیب ابعاد ذهنی و عینی رفاه اجتماعی ساخته شده، نشانگر آن است که اعتماد به همسایگان و تعلق به محل سکونت می‌تواند به طور مستقیم ۱۴ درصد واریانس این شاخص ترکیبی را تبیین کند.

جدول شماره ۱۳- تحلیل چند متغیری مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در زمینه شاخص رفاه اجتماعی

معنی داری t	t	بتا	
۰/۰۰۱	۰/۴۶۷	۰/۲۶۶	اعتماد به همسایگان
۰/۰۰۵	۲/۸۶۵	۰/۲۲۰	تعلق به محل

$$R^2=۰/۱۴۷$$

سرمایه اجتماعی و سلامت: از هنگامی که امیل دورکیم در کار کلاسیک خود، رابطه نرخ خودکشی را با یکپارچگی اجتماعی نشان داد (Durkheim, 1951) بررسی‌های متعددی در خصوص تأثیر عوامل اجتماعی بر سلامت صورت گرفته است. از منظر نظریه سرمایه اجتماعی کسانی چون کاواچی و دیگران در تحقیقات خود نشان داده‌اند که اعتمادی که در شبکه‌های رسمی و غیر رسمی وجود دارد، می‌تواند به اقدام جمعی

برای ایجاد و ترمیم بناهای بهداشتی و ایجاد هنجارهای فرهنگی مؤثر در ارتقای سلامت کمک کند و مردم را در دسترسی بیش‌تر به آموزش‌های بهداشتی و پیشگیری یاری رساند (Kawachi et al, 1997). در این تحقیق، هرچند رضایت از وضع سلامت یکی از ابعاد رضایت از زندگی افراد را مورد بررسی قرار می‌دهد ولی می‌توان گفت که تلویحاً حاکی از وضعیت سلامت در محل سکونت این افراد نیز هست. در این خصوص بررسی محلات واقع در گستره‌ها نشان می‌دهد که هم تغییری معنی‌داری بین رضایت از بهداشت و سلامت محل زندگی و سطح سرمایه اجتماعی در میان ساکنان محلات مورد مطالعه وجود دارد.

جدول شماره ۱۴ - تغییرات سرمایه اجتماعی در گستره‌های مورد مطالعه در تقابل با تغییر بهداشت و سلامت محیطی در آن‌ها

ماتریس تقابلی سرمایه اجتماعی

رضایت از سلامت و بهداشت محیط			ماتریس تقابلی سرمایه اجتماعی با رضایت از وضع سلامت و بهداشت محیط	سرمایه اجتماعی
پایین	متوسط	بالا		
		C E G	بالا	
D	B F		متوسط	
A	H		پایین	

$$\text{Gamma} = ۰/۸۸۹$$

$$\text{Kendall's taub} = ۰/۷۶۲$$

$$p = ۰/۰۰۰$$

این تغییرات بیانگر آن است که هر چه سطح سرمایه اجتماعی بالاتر باشد، رضایت بیش تری از وضع سلامت و بهداشت محیط دیده می شود.

### بحث و نتیجه گیری

افزایش فزاینده ادبیات سرمایه اجتماعی در مباحث آکادمیک و سیاست اجتماعی مربوط به توسعه اجتماع و محله در دهه اخیر بیانگر توجه روز افزون به نقش نگرش، روابط و تعاملات اجتماعی در حفظ و ارتقای کیفیت زندگی در محیط های شهری است. این توجه معلول تلقی ارتباط و تعامل سرمایه ها با یکدیگر و همچنین برداشت فرآیندی از سازوکارهای تأثیرگذار بر شکل گیری آنهاست. بدین ترتیب شکل گیری سرمایه های انسانی بیش از آن که تابعی از موفقیت فردی و برخورداری از مهارت های فردی و شخصی تلقی شود، ذاتاً در یک فرآیند اجتماعی تقویت و تداوم می یابد. چنین اندیشه ای مبنای اصلی شکل گیری ایدئولوژی ها یا رویکردهای جدید در توسعه اجتماع و به ویژه در قالب جنبش هایی نظیر اجتماع گرایان بوده است.

سرمایه اجتماعی چه در قالب شبکه ها، روابط، کنش ها و نتایج، چه به عنوان ویژگی ای از ساختار اجتماعی و چه به عنوان ظرفیتی متعلق به همه اعضای اجتماع، رکن مهمی برای توسعه اجتماع محور و شاخصی برای سنجش فرهنگ مدنی محسوب می شود. با این حال، اثربخشی سرمایه اجتماعی منوط به انسجام بین سرمایه های موجود در اجتماع محلی و اتکای آنها بر سرمایه های کالبدی و انسانی است که در مقاله حاضر به تشریح آن پرداختیم. ذخیره اجتماعات محلی (مناطق شهری) از شبکه تعاملات تسهیل کننده نیازهای جمعی و هنجارهای تسهیل کننده ارتباطات افقی در جهت رفاه اعضای اجتماع به همان اندازه که در سطح ذهنی و عینی تابع سرمایه های انسانی و فرهنگی است، تابع سرمایه های کالبدی و زیرساخت های مناسب نیز هست. آشکار است که این ارتباط دوسویه و متقابل است. حفظ تداوم و تقویت سرمایه های کالبدی منوط به تحقق هنجارهای مناسب عمل، اعتماد، همکاری، مسئولیت پذیری و

نگرش‌های اجتماع‌خواهانه است.

به همان طریق وجود چنین زمینه‌ای می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه اجتماع و ارتقای کیفیت زندگی جمعی آن داشته باشد و خود به انباشت و کارآیی سایر سرمایه‌ها (انسانی، اقتصادی و کالبدی) کمک کند.

نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر مؤید دیدگاه نظریه‌پردازانی است که سرمایه اجتماعی را مرتبط با سرمایه در مفهوم اقتصادی آن و نیز روابط قدرت مستتر در آن تلقی می‌کنند و قایل به تبدیل سرمایه‌ها به یکدیگر هستند (ر.ک. به: Bourdieu, 1986; De Filippis, 2001). بقا و تداوم منافع، علایق و شبکه‌های اجتماعی در سطح خرد و کلان در گرو بستر اقتصادی و کالبدی آن و روابط قدرتی است که از آن بر می‌خیزد.

نتایج به دست آمده بیانگر تغییر‌پذیری ساختی سرمایه‌های اجتماعی است. پایین‌ترین میزان سرمایه اجتماعی با پایین‌ترین سطح سرمایه کالبدی در گستره مناطق همراه است که عموماً به مناطق حاشیه‌ای شهر مربوط می‌شوند.

از سوی دیگر مدت اقامت شهری و نیز پیوستگی و استمرار در سکونت‌های شهری ارتباط مستقیمی با سطوح سرمایه اجتماعی نشان می‌دهند که خود، تأییدی بر اهمیت انعقاد و نهادینه شدن شبکه روابط اجتماعی و ارتباطات میان فردی در سطح محلات است که در مفهوم‌سازی‌های بوردیو و کلمن مورد توجه قرار گرفته است. همچنین سرمایه اجتماعی در سطح خرد (افراد) و نیز مناطق با سرمایه انسانی و متغیرهای رفاه اجتماعی و رضایت از زندگی هم تغییری مثبتی را نشان می‌دهد که خود مؤید مفهوم سازی بوردیو از قابلیت تبدیل سرمایه‌ها و هزینه‌های تبدیل آن‌ها به یکدیگر است.

در مجموع، داشتن سطوحی از سرمایه اجتماعی چه به صورت شبکه روابط خودجوش و داوطلبانه و چه در قالب نهادهای محلی تضمینی برای تداوم و تقویت سرمایه‌های کالبدی و انسانی به شمار می‌آید. این سرمایه‌های واقعی و سمبلیک به عنوان یک ظرفیت اجتماعی به توانمندسازی اجتماع محلی برای بسیج منابع و

دارایی‌های درون آن و نیز جذب امکانات و اعتبارات از بیرون آن منتهی می‌گردند. روشن است که تقویت این ظرفیت اجتماعی نه تنها نیازمند اراده تک تک شهروندان برای آگاهی و مشارکت اجتماعی است و نه تنها نیازمند وجود سازمان‌های محلی اجتماعی کارآمد است، بلکه نیازمند درگیر ساختن افراد متنفذ و تأثیرگذار در صحنه اقتصاد سیاسی محلات است. شهرداران، حکومت‌های محلی، بنیادها، اتحادیه‌های کارگران، بانک‌ها، کارفرمایان و کارآفرینان بازیگران اصلی این فرآیند به شمار می‌آیند. در غیاب حمایت‌های نهادین از نخبگان حکومتی محلی شبکه‌های پیوند اعضای محله و تعاملات آن‌ها با سازمان‌های اجتماعی در سطح افقی تضمینی برای موفقیت اهداف توسعه اجتماعی محسوب نمی‌گردد (Gittele, 1998).

محلات و مناطق شهری، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد و همکاری میان اعضای متعلق به این شبکه‌ها را در خود دارند. آن چه می‌تواند تقویت‌کننده و هدایت‌کننده این شبکه‌ها در مسیر توسعه محلی و ارتقای کیفیت زندگی آن‌ها شود قدرت، توانایی تصمیم‌گیری و سرمایه‌ای است که می‌تواند مبنای این قدرت قرار گیرد. توسعه اجتماع سازه‌ای است که با حضور یک جا و همزمان همه انواع سرمایه حاصل می‌گردد.

#### منابع

- Arnstein, S. "Ladder of Citizen Participation", *Journal of Planning Association*. No. 35, 1996.
- Becker, G. *The Economic Approach to Human Behavior*. Chicago, University of Chicago Press, 1978.
- Bourdieu, P. "The Forms of Capital", in J. Richardson (ed.) *Handbook of Theory and Research for Sociology of Education*. New York: Greenwood Press, p.248, 1986.
- Browning, C. R., Dietz, R. & Feinberg, I. *Negative Social Capital*,

*Urban Crime*. A Negotiated Coexistence Perspective, 2000.

- Chhibber; A. *Institution, Policies and Development Outcomes Processed*. World Bank, Washington D.C, 1997.

- Chhibber, A. "Social Capital, the State, and Development Outcomes", in Dasgupta, P. *Social Capital, A multifaceted perspective*. 2000.

- Colman J. S. "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*. No.94, pp.94-120, 1988.

- Colman, J. & Hoffer, T. B. *Public and private Schools: the impact of communities*. NewYork: Basic Book, 1987.

Cox, E. "Measuring Social Capital as part of Progress and Well-Bing. In R. Eckersly (Eds.) *Measuring Progress is Life Getting Better?* CSIRO: Colling Wood, Vic, 1998.

- Cox,E. *Building SocialCapital Health Promotion Matter*. Vol. 4, 1997.

- De - Filippis, J. "The Myth of Social Capital", in *Community Development Housing Policy Debate*. Vol.12, Issue 4, pp.781-802, 2001.

- Dordick, G. *Something Left to Lose: Personal Relations and Survival among NewYorks Homeless*. Philadelphia, Pa.: Temple University Press, 1997.

- Doyal, L. & Gough, I. *A Theory of Human Need*. London: Macmillan, 1991.

- Durkheim, E. *Suicide*. New York: The Free Press, 1951.

- Etzioni, A. *The Spirit of Community: Rights, Responsibilities and the Communitarian Agenda*. NewYork: Crown, 1993.

- Etzioni, A. *The Moral Dimension: Towards a New Economics*.



NewYork: Free Press, 1998.

- European Commission. *Conceptual Framework and Structure of European System of Social Indicators*. Mannheim: Centre for Survey Research and Methodology (ZUMA), 2000.

- Frieden, B. and Kaplan, M. *The Politics of Neglect: Urban Aid from Model Cities to Revenue Sharing*. Cambridge: MIT Press, 1975.

- Frieden, B. & Sagalyn L. B. *Downtown Inc.: How America Rebuilds Cities*. Cambridge: MIT Press, 1989.

- Fukuyama, F. *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*. NewYork: The Free Press, 1995.

- Gans, Herbert J. *Pepole, Plans, Planning Problems and Solutions*. NewYork. Basic Book, 1968.

- Giddens, A. *Beyond Left & Right*. Cambridge: Polity Press, 1994.

- Gittele, R. & Avis Vidal. *Community Organizing: Building Social Capital as a Development Strategy*. Thousand Oaks, CA: Sage, 1998.

- Glaser, E. L., Laibson, D. and Sacerdote B. *The Economic Approach to Social Capital*. National Bureau for Economic Research, Working Paper No.7728, 2000.

- Goldsmith, W. & Bleakly, Edward J. *Separate Societies: Poverty and Inequality in U.S. Cities*. Philadelphia: Temple University Press, 1992.

- Goodman, R. *After The Planners*. NewYork: Simon and Schuster, 1972.

- Granovetter, M. "The strength of Weak Ties: A Network Theory Revisited", *Sociological Theory*. Vol.11, pp.201-233, 1983.

- Gusack, T. R. *Social Capital Institutional Structures, and Democratic*

*Performance: A Comparative Study of German Local Government*. Berlin, 1997.

- Hall, P. & Pfeiffer, U. *Urban Future 21*. Federal Ministry of Transport, Building and housing, 2000.

- Hart, T. *Children's Participation: from Tokenism to Citizenship*. Florence, Italy: UNICEF, 1992.

- Healy, K. & Hampshire, A. *Social Capital & Quality of Life in Geographically Diverse Communities*. Australian Institute of Family Studies, Melbourn, 2003.

- Healy, K. , Hampshire, A. & Ayer, L. *Social Capital & Quality of Life in High Need Communities: A Comparison of Urban, Regional and Rural Contexts*. Australian Institute of Family Studies Conference, Feb 2003, Melbourn, 2003.

- Jacob, J. *The Death and Life of Great American Cities*. New York: Vintage Books, 1961.

- Kawachi, I. Kenndy, B. and Lochner, K. "Long Live Community, Social Capital as Public Health, *The American Prospect*. Vol. 8(35), PP.56-591, 1997.

- Kawachi, I. Kenndy, B. and Lochner, K. "Social Capital, Income Inequality and Mortality", *Journal of Public Health*. Vol. 87, PP.1491-1497, 1997.

- Kleinberg, B. Trust: *The Social Virtues and the Creation of Prosperity*. New York: The Free Press, 1995.

- Krishna, A. & Uphoff, N. "Mapping and Measuring Social Capital: A

Conceptual and Empirical Study of Collective Action for Conserving and Developing Watersheds in Rajasthan, India", *Social Capital Initiative Working Paper*. No.13, World Bank, Washington D.C., 1999.

- Krishna, A. and Sharder, E. "Social Capital Assessment Tool", *Social Capital Initiative Working Paper*. No 22, the World Bank, Washington D.C, 2000.

- Liu, B. C. *Quality of Life in the U.S. Metropolitan Areas*. Kansas city: Midwest Research Institute, 1975.

- Loury, G. "A Dynamic Theory of Racial Income Differences", In P. A. Wallace and A. LeMund, (eds)., *Woman, Minorities, and Employment Discrimination*. Lexington, Mass: Lexington Books, 1977.

- Marris, P. *Loss and Change*. NewYork: Pantheon, 1974.

- Newman, W. L. *Social Research Methods. Qualitative and Quantitative Research Designs*. 4th ed., Allyn & Baen. A Peareso E. Co, 2000.

- Ostrom, E. Investing in Capital, Institutions, and Incentives in *Institutions and Economic Development: Growth and Government in Less-Developed and Post- Socialist Countries*. (Ed.) Christopher Clague. Baltimore and London. The John Hapkinz University Press, 1997.

- Putnam, R. D. *Making Democracy Work: Civic Tradition in Modern Italy*. Princeton Press. (With Rafaella Nanetti and Robert Leonardi), 1993.

- Stren. R. E: *New Approaches to Urban Governance in LatinAmerica*. *Center for Urban Community Studies*, University of Toronto Canada, 2000.

- Woolcock, M. & Narayan, D. "Social Capital: Implication for Development Theory, Research, and Policy", *The World Bank Research*

*Observer*. Vol. 15, No.2. pp.225-249, 2000.

- Woolcock, M. "Social Capital and Economic Development: Towards a Theoretical Synthesis and Policy Framework", *Theory and Society*, 00, PP.1-57, 1997.

- HYPERLINK

<http://www.worldbank.org/poverty/scapital/wkrppr/wrkp/html>

- WorldBank, "Expanding the Measure of Wealth: Indicator of Environmentally Sustainable Development", *ESDSM*. No.17, Washington D.C., 1997.

<http://www.worldbank.org/poverty/scapital/wkrppr/wrkp/html>

*World Bank*, Washington D.C.

HYPERLINK <http://www.Vrai.ohio-state.edu> [www.Vrai.ohio-state.edu](http://www.Vrai.ohio-state.edu)

- Zokaei M. S. & D. Phillips. "Altruism and Intergenerational Relations Among British Muslims", *Current Sociology*. Vol.11, p.4, 2000

- Zokaei M. S. "Solidarity and Inclusion Among British Muslims as a Case Study in Differentiation Theory", BSA Annual conference, York, 1998.

- اسمیت، دیوید. ام. «کیفیت زندگی: رفاه انسانی و عدالت اجتماعی»، ترجمه حسین حاتمی نژاد. ماهنامه اطلاعات اقتصادی - سیاسی. شماره ۱۸۵-۱۸۶، صص ۱۶۰-۱۷۳، ۱۳۸۲.

- ذکایی، محمد سعید. «اخلاق شهروندی: رابطه هویت یابی جمعی و ارزش های دیگرخواهانه»، نامه انجمن جامعه شناسی (۳). ویژه مقالات همایش مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۸۰.

- زینام، الگ. «کیفیت زندگی، کیفیت شخص، تکنولوژی و توسعه اقتصادی»، در

سهراب حمیدی... و دیگران (گردآورنده) جامعه و فرهنگ (مجموعه مقالات). تهران: آرون، ۱۳۸۰.

- شهدادی، هرمز. کاربرد شاخص های اجتماعی - اقتصادی در برنامه ریزی توسعه. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۹.

- عارفی، مهیار. «به سوی رویکرد دارایی - مبنا برای توسعه اجتماعی محلی»، ترجمه نوین تولایی. فصلنامه هنرهای زیبا. شماره ۱۰، ۱۳۸۰.

- وزارت مسکن و شهرسازی. طرح توسعه و عمران (جامع) شهر قوچان - جلد سوم - مطالعات تاریخی و جغرافیایی. مهندسان مشاور اوت، مهرماه، ۱۳۷۸.





پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علومو انسانی